



راز روین تنی اسفندیار

سجاد آیدنلو



راز رویین تنی اسفندیار



دکتر سجاد آیدنلو



مجموعه انتشارات
ادبی و تاریخی
موقوفات دکتر محمود افشار

[۹۲]

گنجینه زبان و ادبیات فارسی دری



هیئت‌گزینش کتاب و جایزه

دکتر سید مصطفی محقق داماد - دکتر محمد رضا شفیعی کدکنی - دکتر زاله آموزگار - دکتر جلال خالقی مطلق

دکتر حسن انوری - دکتر فتح الله مجتبیایی - دکتر محمود امیدسالار - کاوه بیات

دکتر محمد افشین وفايي (مدیر انتشارات)

درگذشتگان

ایرج افشار - دکتر سید جعفر شهیدی - دکتر جواد شیخ‌الاسلامی - دکتر اصغر مهدوی - دکتر یحیی مهدوی



راز روین تنی اسفندیار



تحقیق و تألیف **دکتر سجاد آیدنلو** (عضو هیئت علمی دانشگاه پیام نور اورمیه)

گرافیکست، طراح و مجری جلد **کاوه حسن بیگلر**

صفحه آرا **زینب نورپور جویباری**

لیتوگرافی **کوثر**

چاپ متن **آزاده**

صحافی **حقیقت**

تیراژ **۲۲۰۰ نسخه**

چاپ اول **زمستان ۱۳۹۹**

ناشر **انتشارات دکتر محمود افشار**

خیابان ولی عصر، بالاتر از چهارراه پارک وی، خیابان عارف‌نسب، کوی لادن، شماره ۶

تلفن: ۲۲۷۱۷۱۱۴ دورنما: ۲۲۷۱۷۱۱۵

با همکاری انتشارات سخن

خیابان انقلاب، خیابان دانشگاه، خیابان وحید نظری، پلاک ۴۸

تلفن: ۵-۶۶۹۵۳۸۰۴ دورنما: ۶۶۴۰۵۰۶۲

تلفن تماس برای تحویل کتاب در تهران و شهرستان‌ها

۵-۶۶۹۵۳۸۰۴



فهرست مطالب

پیشگفتار	۱۵
مقدمه	۲۹
رویینِ تنیِ اسفندیار	۸۷
روایات و اشاراتِ قدیمیِ چگونگیِ رویینِ تنِ شدنِ اسفندیار (از سدهٔ پنجم تا عصرِ قاجار)	۱۰۶
۱. مسی بودنِ جنسِ پوستِ اسفندیار	۱۰۶
۲. ساخته شدنِ اسفندیار از چشمهٔ رویِ روانِ حضرتِ سلیمان ^(ع)	۱۰۷
۳. تعویذ/ تعویذهایِ زرتشت	۱۱۲
۴. خوردنِ انارِ دعاخوانده‌شدهٔ زرتشت	۱۱۶
۵. زرهِ ساختهٔ حضرتِ داوود ^(ع)	۱۲۰
۶. گشودنِ رویینِ دژ	۱۲۲
۷. تن‌شویی با آبِ افسون‌کردهٔ زرتشت یا آبِ چشمه	۱۲۴
۸. مادرزادی بودنِ رویینِ تنی	۱۳۱
۹. دارویِ جاماسپ و دعایِ زرتشت	۱۳۳
۱۰. روغنِ زرتشت	۱۳۳
۱۱. روغنِ تعویذخوانده‌شدهٔ هزار و یک گیاه	۱۳۵
۱۲. دعایِ یکی از صاحب‌کمالانِ عصر	۱۳۹

۱۳. مسح (دستِ سودن) زرتشت ۱۴۰
۱۴. ساخته شدن از آهن ۱۴۱
۱۵. داشتنِ پوستی مانند پولک / فلسِ ماهی ۱۴۱
- تحقیقات و نظریاتِ معاصران دربارهٔ روینِ تنیِ اسفندیار ۱۴۲
۱. زرهِ اعطاییِ زرتشت یا زرهِ خاص (بدونِ انتساب به زرتشت) ۱۴۲
۲. آب ۱۴۵
۳. خونِ اژدهایِ کشته‌شده در خانِ سومِ اسفندیار ۱۴۹
۴. انار ۱۵۰
۵. خونِ جانورانِ کشته‌شده در هفت‌خان ۱۵۱
۶. زنجیرِ بهشتیِ زرتشت ۱۵۲
۷. دودِ زهرِ اژدهایِ خانِ سوم ۱۵۹
۸. معنای کناییِ «روینِ تنی» ۱۶۱
- زره و ویژهٔ زخم‌ناپذیر، عاملِ احتمالیِ روینِ تنیِ اسفندیار ۱۶۷
- تأثیرِ ویژگیِ «روینِ تنی» اسفندیار در روایات و متونِ ایرانی ۲۱۰
- جدول‌ها و فهرست‌ها** ۲۲۷
- جدولِ روایات و اشاراتِ قدیمیِ چگونگیِ روینِ تنیِ اسفندیار (به ترتیبِ تاریخی) ۲۲۹
- جدولِ تحقیقات و نظریاتِ معاصران دربارهٔ روینِ تنیِ اسفندیار (به ترتیبِ تاریخی) ۲۳۱
- فهرستِ بعضیِ روینِ تنانِ غیرایرانی ۲۳۳
- فهرستِ بعضیِ روینِ تنانِ روایت‌هایِ ایرانی ۲۳۷
- نمایهٔ اعلام ۲۴۳
- منابع ۲۶۱

به نام خداوند جان و خرد

پیشگفتار

اسفندیار تنها یل شاهنامه پس از رستم است که با دو صفت/ لقب «تہمتن» و «تاج‌بخش» خوانده شده و این، پایگاه والای پهلوانی و خویشکاری مهم او را در حماسه ملی ایران و نظرگاه حکیم طوس نشان می‌دهد. در تحلیل نهایی، سیما و شخصیت او در روایتهای ملی - پهلوانی ایران به‌نوعی دوگانه/ دوگانه است: از سویی در دوره‌ای از تاریخ روایی (روزگار شهریاری گشتاسپ) جهان پهلوان جوان ایرانشهر و گسترنده دین زرتشتی است و احترام و علاقه خوانندگان و شنوندگان داستانهایش را برمی‌انگیزد و از سوی دیگر، پافشاری لجوجانه‌اش برای بستن دست پهلوان پیر ایران‌زمین، رستم دستان، دل دوستداران این هر دو یل را به درد می‌آورد.

با این حال اسفندیار جنگاور مرزپاینده ایران/ ایرانی است و از خود رستم - که به‌ناچار با تیر گز وی را می‌کشد- تا اغلب خوانندگان و پژوهندگان شاهنامه در دوران ما او را دوست دارند و همچون سهراب و سیاوش جوان از کشته شدن این پهلوان برنا نیز پریشان‌خاطر می‌شوند.

تنوع کردارهای پهلوانی و رویدادهای زندگی اسفندیار به دلیل عمر کوتاه او، به نسبت موقعیت ممتاز وی در هر دو حوزه روایتهای ملی - پهلوانی و سنت

دینی (زرتشتی) چندان زیاد نیست و عموماً دو داستانِ گذشتنِ این دلاور از هفت‌خان و گشودنِ رویین‌دژِ ارجاسپ و نبردش با رستم، مشهور و مورد توجه بوده است. اما اسفندیار ویژگی خاصی دارد که او را از همهٔ یلان شاهنامه - حتی رستم - متمایز کرده و در متون ادبی، تاریخی و داستانی پس از فردوسی در جایگاه منحصربه‌فردی نشانده است: تیر و تیغ و نیزه و گرز و خنجر هیچ‌کسی - باز حتی رستم - بر پیکر او کارگر نیست و اسفندیار به تعبیر شاهنامه «رویین‌تن» است:

چرا رزم جُستی از اسپندیار گوی تند و رویین‌تن و نامدار
... که تیغ دلیران بر اسپندیار بند آوردگه بر، نیاید به کار

پیشینهٔ داستانی و ویژگی زخم‌ناپذیری اسفندیار به قبل از شاهنامه و احتمالاً منابع / روایات پهلوی عصر ساسانی می‌رسد ولی شهرت آن با ترکیب / تعبیر «رویین‌تن» در سنت ادبی و روایی ایران از شاهنامهٔ فردوسی است. شگفتی و رازناکی این صفت باعث شده که هم گذشتگان دست کم از سدهٔ پنجم به این طرف روایت‌های گوناگونی دربارهٔ چگونگی رویین‌تن شدن اسفندیار بسازند و هم محققان معاصر فرضیات و تحلیل‌هایی در این باره عرضه کنند.

گرچه ماجرای رویین‌تنی اسفندیار سابقه و پشتوانهٔ حداقل هزار سال تعلیل و توجیه و توضیح و تحلیل و توجهٔ داستانی و تحقیقی دارد تا کنون پژوهش دقیق و جامعی در این باره انجام نگرفته و همه یا بیشتر روایات و اشارات قدیمی مربوط به این موضوع و آرای معاصران گردآوری و بررسی نشده است. از سال (۱۳۱۳ ه.ش) تا میانه‌های دههٔ نود، استادان و محققان مختلفی در مباحث کتابها و مقالات و مداخل یا نوشته‌هایی مستقل، به اختصار یا تفصیل به چرایی و چگونگی رویین‌تنی اسفندیار پرداخته‌اند و همهٔ آنها جملگی بر نگارندهٔ این سطور، هم فضل تقدّم دارند و هم صد البتّه تقدّم فضل، ولیکن تعدّد زمینه‌های بحث، تنوع روایتها و اشارات کهن، اختلاف نظر پژوهشگران و تأثیر بن‌مایه

«رویین‌تنی» در داستانها و آثار ایرانی به اندازه‌ای است که لازم بود موضوع «رویین‌تنی اسفندیار» در قالب کتابی ویژه و جداگانه (تکننگاری) به‌دقت بحث و بررسی شود.

بنابر این موضوع اصلی این کتاب که پس از مقدمه ملاحظه/ مطالعه خواهید فرمود تحقیق دربارهٔ مسائل، روایات و دیدگاههای گوناگون مربوط به رویین‌تنی اسفندیار و طرح فرضیه یا اگر دقیق‌تر بگوییم، دریافتی از علت رویین‌تنی اسفندیار در شاهنامه به یاری گواهی‌ها و قراین به‌دست‌آمده از متون دیگر است. اما در این گونه تکننگاری‌ها که به ویژگی یا موضوع مشخص و محدودی از سرگذشت یک شخصیت می‌پردازند غالباً دو شیوه برای نوشتن مقدمه پژوهش به کار می‌رود/ می‌تواند استفاده شود. یکی معرفی دقیق، جزئی و مفصل آن شخصیت و نقل همهٔ اخبار او در منابع متعدد و دیگر، پیش‌درآمدی بسیار کوتاه و یادداشت‌گونه در حد گزارش کار.

چون مقالات، مداخل و کتابهایی وجود دارد که اسفندیار را با کم و کیف متفاوت معرفی کرده است اختصاص مقدمه یا بخش نخست این کتاب به تفصیل سرگذشت و داستانهای اسفندیار، هم تکرار مطالب آن منابع بود و بیهوده بر صفحات اثر می‌افزود و هم به نظر نگارنده نوعی نقض غرض محسوب می‌شد؛ زیرا در این صورت حجم مقدمه تقریباً همسان - و یا حتی شاید بیشتر از - متن اصلی کار می‌شد و نام و موضوع تحقیق را که بحث دربارهٔ رویین‌تنی اسفندیار است زیر تأثیر قرار می‌داد و کم‌فروغ می‌کرد. نوشتن یادداشت کوتاه و گزارش‌مانند نیز شاید به دلیل نادیده گرفتن کامل معرفی اسفندیار و اخبار و احوال وی، کار را ناقص و دور از روش درست جلوه می‌داد. از همین روی شیوهٔ دیگر/ سومی برای مقدمه کتاب انتخاب و با رعایت نهایت ایجاز و اختصار فقط دربارهٔ بعضی نکات و موضوعات نسبتاً نو، مهم یا کمتر گفته/ توجه‌شده مرتبط با اسفندیار بحث شده است تا در حدودی مکمل

مطالب پژوهش‌های پیشین باشد و شاید برخی خوانندگان و علاقه‌مندان را هم با یکی دو مبحث جدید دربارهٔ اسفندیار آشنا بکند.

برای اینکه کوشش‌های استادان و محققان دیگر ارج نهاده شود و خوانندگان و علاقه‌مندان و دانشجویان نیز با منابعی که شخصیت و سرگذشت اسفندیار را کوتاه یا بلند معرفی کرده‌اند آشنایی بیابند در این بخش از پیشگفتار مهم‌ترین کتابها، مقالات و مداخل مربوط به معرفی اسفندیار به زبان فارسی در حدود دانسته‌های اندک نگارنده مرور خواهد شد تا هم دوباره بر این نکته بسیار مهم روش‌شناختی تأکید شده باشد که با بودن این کارها نیازی نبود در مقدمه کتاب حاضر بار دیگر به تفصیل دربارهٔ اسفندیار بحث شود^۱ و هم راهنمای کسانی باشد که می‌خواهند در کنار نکات و اشارات موجز مقدمه این اثر، آگاهی‌های بیشتر و دقیق‌تری دربارهٔ اسفندیار داشته باشند.^۲

تا جایی که نگارنده بررسی کرده است و می‌داند در منابع فارسی و بین محققان ایرانی، نخستین بار زنده‌یاد استاد پورداوود در جلد دوم *یشتها* (چاپ اول: ۱۳۱۰ ه.ش) در زیرنویس بند ۱۰۳ فروردین‌یشت معرفی بسیار کوتاهی از اسفندیار به دست داده و صورت اوستایی نام او را نوشته‌اند.^۳ شادروان علامه دهخدا ذیل مادهٔ «اسفندیار» در *لغت‌نامه* به صورت اوستایی و پهلوی این نام و ذکر آن در *اوستا* اشاره کرده و توضیحات فرهنگی‌مانند جهانگیری، برهان

۱. یکی از اشکالات روشی بعضی مقالات، کتابها و رساله‌های حوزهٔ مطالعات *شاهنامه* و ادب حماسی ایران در سالیان اخیر این است که با انتخاب موضوعات کلی و تکرار نوشته‌های پیشین، به اطناب می‌گرایند. دانشجویان، محققان و اعضای هیأت علمی حتماً باید به این اصل بسیار مهم توجه کافی داشته باشند که در هر کار پژوهشی (به‌ویژه مقاله) اولاً موضوعی محدود، جزئی و جدید تعیین شود و ثانیاً عنایت داشته باشند که چه باید بنویسند و مهم‌تر از آن چه باید بنویسند.

۲. یادآور می‌شود که در بررسی پیشینهٔ تحقیقات مربوط به اسفندیار، تحلیل‌های داستان رستم و اسفندیار مورد نظر نبوده و معرفی نشده است.

۳. ر.ک: یشت‌ها، تفسیر و تألیف استاد ابراهیم پورداوود، تهران، اساطیر، ۱۳۷۷، ج ۲، ص ۸۷، زیرنویس ۱.

قاطع و غیث‌اللغات را آورده و سپس گزارشهای مجمل‌التواریخ و القصص و تاریخ سیستان را درباره سرگذشت اسفندیار نقل کرده‌اند. در ادامه شواهدی از کاربرد نام این پهلوان در شاهنامه و ابیات شعرای دیگر را به دست داده و چند منبع برای مراجعه بیشتر درباره اسفندیار معرفی کرده‌اند.^۱ مرحوم دکتر ذبیح‌الله صفا نیز در کتاب حماسه‌سرایی در ایران (چاپ اول: ۱۳۲۱) بخشی را به اسفندیار در متون پهلوی، شاهنامه و غرر اخبار ثعالبی اختصاص داده‌اند.^۲

در دایرةالمعارف فارسی (چاپ اول: ۱۳۴۵) مدخل کوتاهی درباره «اسفندیار» نوشته و گزارشی مختصر از سرگذشت او در شاهنامه داده شده است.^۳ دکتر محمدجعفر یاحقی در کتاب فرهنگ اساطیر و اشارات داستانی در ادبیات فارسی (چاپ اول: ۱۳۶۹) ویراست جدید با نام: فرهنگ اساطیر و داستان‌واره‌ها در ادبیات فارسی، تهران، فرهنگ معاصر، ۱۳۸۶) ذیل ماده «اسفندیار» ابتدا توضیح کوتاهی درباره نام اسفندیار نوشته و بعد این پهلوان را معرفی کرده و برخی شواهد کاربرد نام او را در ادب فارسی داده‌اند. در پایان نیز به تأویل سهروردی از داستان رستم و اسفندیار اشاره کرده‌اند.^۴

در فرهنگ نامهای شاهنامه تألیف دکتر منصور رستگار فسایی (چاپ اول: ۱۳۶۹) که نخستین فرهنگ تخصصی تدوین شده برای معرفی شخصیت‌های

۱. ر.ک: دهخدا، علی‌اکبر؛ لغت‌نامه، ذیل «اسفندیار».

۲. ر.ک: صفا، ذبیح‌الله؛ حماسه‌سرایی در ایران، تهران، امیر کبیر، چاپ چهارم، ۱۳۶۳، صص ۵۹۶-۵۹۹. از تحقیقات غیرایرانی/ غیرفارسی مقدم بر کار دکتر صفا که بعدها به فارسی ترجمه شد باید از فصل «میانورد اسفندیار» در کتاب پژوهشی در شاهنامه تألیف جهانگیر کورجی کویاجی (چاپ اول: ۱۹۳۶/م ۱۳۱۴ ه.ش) نام برد.

۳. ر.ک: دایرةالمعارف فارسی، به سرپرستی غلامحسین مصاحب، تهران، شرکت سهامی کتابهای جیبی وابسته به انتشارات امیرکبیر، چاپ پنجم، ۱۳۸۷، ج ۱، ص ۱۲۸.

۴. ر.ک: یاحقی، محمدجعفر؛ فرهنگ اساطیر و داستان‌واره‌ها در ادبیات فارسی، تهران، فرهنگ معاصر، ۱۳۸۶، صص ۱۲۲-۱۲۴.

شاهنامه است کردارهای اسفندیار در حماسه ملی ایران به تفصیل توضیح داده و القاب و اوصاف او در این متن آورده شده است. در زیرنویسهای ماده «اسفندیار» نیز درباره صورتهای اوستایی و پهلوی این نام و بعضی وجوه آن در منابع تاریخی، لقب اسفندیار در *اوستا*، سلسله نسب او و روایت رویین‌تنی‌اش اشاراتی آمده است.^۱

در همان سال ۱۳۶۹ کتابی با نام *در پیرامون شاهنامه* شامل ده مقاله درباره موضوعات مختلف شاهنامه پژوهی چاپ شده که یکی از آن مقالات، «اسطوره اسفندیار» نوشته خانم منیره ذوالفقاری است. در این مقاله بلند هفتاد و دو صفحه‌ای پس از تعریف اسطوره و حماسه و اشاراتی به نام و حضور اسفندیار در *اوستا* و متون پهلوی، سرگذشت او در شاهنامه توضیح داده و در این میان مباحثی چون: مقایسه هفت‌خانهای رستم و اسفندیار، رویین‌تنی اسفندیار، دین زرتشت، مهر و میترا ایسم، سیمرغ، رویارویی رستم و اسفندیار، اسفندیار و سیمرغ، اسفندیار و آیین مهر و تقابل هفت‌خان رستم و اسفندیار مطرح شده است.^۲

مدخل «اسفندیار» نوشته مرحوم دکتر احسان یارشاطر در *دانشنامه ایرانیکا* (ج ۸، چاپ سال ۱۹۹۸م) یکی از بهترین و علمی‌ترین تک‌نگاری‌های دانشنامه‌ای درباره اسفندیار است. این مدخل محققانه در چند بخش تنظیم شده است: اشتقاق، معنا و صورتهای گوناگون نام اسفندیار در متون اوستایی، پهلوی، فارسی و عربی، معرفی مآخذ مختلف مربوط به اخبار اسفندیار، زندگی و

۱. ر.ک: رستگار فسایی، منصور؛ فرهنگ نامهای شاهنامه، تهران، پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی، چاپ دوم، ۱۳۷۹، ج ۱، صص ۷۳-۸۴ برای معرفی اسفندیار در شاهنامه همچنین، ر.ک: اسلامی ندوشن، محمدعلی؛ *داستان داستانها*، تهران، آثار، چاپ پنجم، ۱۳۷۴، صص ۲۷-۴۴؛ جیحونی، مصطفی؛ *حماسه آفرینان شاهنامه*، اصفهان، شاهنامه پژوهی، ۱۳۸۰، صص ۱۹-۲۷؛ حمیدیان، سعید؛ *درآمدی بر اندیشه و هنر فردوسی*، تهران، مرکز، ۱۳۷۲، صص ۳۴۰-۳۹۷.

۲. ر.ک: ذوالفقاری، منیره؛ «اسطوره اسفندیار»، در *پیرامون شاهنامه*، به کوشش مسعود رضوی، تهران، جهاد دانشگاهی، ۱۳۶۹، صص ۱۴۹-۲۲۱.

سرگذشت اسفندیار (شامل موضوعات: خاندان و خویشاوندان، پهلوان دینی، احوال و اخبار اسفندیار، هفت‌خان، نبرد با رستم و روایتهای مردمی)، خاستگاه و تکوین افسانه اسفندیار و معرفی پژوهشهای اخیر درباره داستان رستم و اسفندیار.^۱

در *دانشنامه ادب فارسی* (به سرپرستی مرحوم استاد حسن انوشه، جلد یکم: آسیای مرکزی، چاپ اول: ۱۳۷۵) مدخل «اسفندیار» گزارشی از سرگذشت اسفندیار در *شاهنامه* با اشاره به روین تنی و شواهدی از کاربرد نامش در شعر فارسی است.^۲ دکتر آمنه ظاهری عبدوند در کتاب *اسفندیار و روین تنی* (چاپ اول: ۱۳۷۶) هفتاد صفحه آغازین این کتاب صد و چهل و شش صفحه‌ای را به بحث درباره ریشه‌شناسی نام اسفندیار، روایات اسفندیار در متون اوستایی، پهلوی، فارسی و عربی و بررسی داستان رستم و اسفندیار اختصاص داده‌اند.^۳ این کتاب از مفصل‌ترین منابع معرفی اسفندیار به زبان فارسی است.

دکتر ابوالفضل خطیبی در مقاله «اسفندیار در برزخ» (چاپ سال ۱۳۷۹) سیما و شخصیت اسفندیار را در مهم‌ترین منابع اوستایی، پهلوی، فارسی و عربی بررسی و تحلیل کرده‌اند.^۴ این مقاله در کنار مدخل «اسفندیار» *دانشنامه ایرانیکا* و یکی دو مدخل دیگر از دقیق‌ترین و علمی‌ترین مقالاتی است که در معرفی اسفندیار نوشته شده است.

استاد هاشم رضی در *دانشنامه ایران باستان* (چاپ اول: ۱۳۸۱) ذیل مدخل «سپتوداته» پس از اشاره به یادکرد اسفندیار در *اوستا*، صورتهای پهلوی نام او و

۱. ر.ک: Yarshater, Ehsan, "Esfandiār", *Encyclopaedia Iranica*, edited by Ehsan Yarshater, California, Costa Mesa. Mazda Publishers. 1998, vol.8, pp. 584- 592.

۲. ر.ک: بزرگر، حسین؛ «اسفندیار»، *دانشنامه ادب فارسی*، به سرپرستی حسن انوشه، مؤسسه دانشنامه، ج ۱ (آسیای مرکزی)، ۱۳۷۵، صص ۱۰۲ و ۱۰۳.

۳. ر.ک: ظاهری عبدوند، آمنه؛ *اسفندیار و روین تنی*، اهواز، مه‌یار، ۱۳۷۶، صص ۹-۸۱.

۴. ر.ک: خطیبی، ابوالفضل؛ «اسفندیار در برزخ»، *مجموعه مقالات علوم انسانی*، دفتر اول، پاییز ۱۳۷۹، صص ۷۷-۱۰۴.

سلسله نسبش در بندهش، روایت منظومه مولود زرتشت / زراتشت‌نامه را دربارهٔ روین‌تنی این پهلوان با انار زرتشت آورده و به طرح و نقدِ نظریهٔ یکسان‌انگاریِ گشتاسپِ کیانی با ویشتاسپِ هخامنشی و اسفندیار با داریوش پرداخته‌اند. سپس کردارهای اسفندیار در یادگار زریران و شاهنامه گزارش و بررسی شده است. در پایان نیز دریاب تاویلِ اشرافیِ سهروردی از داستان رستم و اسفندیار بحث کرده‌اند.^۱

نگارندهٔ این سطور در سال ۱۳۸۴ مدخل «اسفندیار» را برای *دانشنامهٔ زبان و ادب فارسی* نوشته و در آن دربارهٔ موضوعاتی چون: نام اسفندیار در *اوستا* و متون پهلوی، کارنامهٔ او در *یادگار زریران* و *شاهنامه*، روایتهای چگونگی کشته شدن و روین‌تنی وی، سابقه و تفسیر داستان رستم و اسفندیار، تشابهات اسفندیار و آشیل و یادکرد اسفندیار در شعر فارسی بحث کرده است.^۲

در مجلد دوم کتاب *فرهنگ اساطیری- حماسی ایران* به روایت منابع بعد از *اسلام* (چاپ اول: ۱۳۸۶) برخی از روایات و اشارات منابع فارسی و عربی دربارهٔ نام و نسب و کارها و ویژگی‌های اسفندیار گردآوری و به تفکیک موضوعی نقل شده است.^۳

دربارهٔ اسفندیار دو مدخل مفید و محققانه دیگر هم نوشته شده است. یکی در *دانشنامهٔ ایران* (ج ۳، چاپ اول: ۱۳۸۹) به قلم دکتر ابوالفضل خطیبی که نام و اخبار اسفندیار را در *اوستا*، بعضی متون پهلوی و *شاهنامه* بررسی و به تفسیر سهروردی نیز اشاره کرده‌اند.^۴ این مدخل به دلیل ماهیت و روش کار / شیوه‌نامهٔ *دانشنامهٔ ایران* با ایجاز کامل تألیف شده است.

۱. ر.ک: رضی، هاشم؛ *دانشنامهٔ ایران باستان*، تهران، سخن، ۱۳۸۱، ج ۳، صص ۱۳۴۹-۱۳۶۹.

۲. ر.ک: آیدنلو، سجاد؛ «اسفندیار»، *دانشنامهٔ زبان و ادب فارسی*، به سرپرستی استاد اسماعیل سعادت، تهران، فرهنگستان زبان و ادب فارسی، ۱۳۸۴، ج ۱، صص ۳۹۶-۴۰۰.

۳. ر.ک: میرعابدینی، سید ابوطالب و مهین‌دخت صدیقیان؛ *فرهنگ اساطیری- حماسی ایران* به روایت منابع بعد از *اسلام*، تهران، پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی، ۱۳۸۶، ج ۲، صص ۳۱۳-۳۳۲.

۴. ر.ک: خطیبی، ابوالفضل؛ «اسفندیار»، *دانشنامهٔ ایران*، تهران، مرکز دایرةالمعارف بزرگ اسلامی، ۱۳۸۹،

مدخل دیگر را دکتر محمد جعفری قنواتی در جلد نخست *دانشنامه فرهنگ مردم ایران* (چاپ اول: ۱۳۹۱) نوشته‌اند. در این مدخل ابتدا برخی روایات و نظریات مربوط به روین تنی اسفندیار معرفی شده و بعد به داستان رستم و اسفندیار، پیشینه و گزارش‌های دیگر آن پرداخته شده است. سپس بعد از اشاره به داستانهای مرگ/کشته شدن اسفندیار در منابع رسمی و شفاهی - عامیانه، درباره روایتهای شفاهی - مردمی و نقلی داستان رستم و اسفندیار بحث شده که متناسب با موضوع *دانشنامه‌ای* است که این مدخل در آن چاپ شده است.^۱

در فصل مفصلی از کتاب *نشته من این نامه پهلوی... (بررسی و تحلیل شخصیت‌های برجسته اساطیری ایران باستان بر پایه منتهای ادبیات اوستایی، فارسی میانه و شاهنامه)* (چاپ اول: ۱۳۹۵) که در اصل رساله دکتری مؤلف محترم آن است اسفندیار در *اوستا*، منابع پهلوی و *شاهنامه* معرفی شده و در بخشی نیز موضوع روین تنی او بررسی شده است.^۲ در این کتاب اخبار اوستایی و پهلوی اسفندیار با دقت و تفصیل بیشتری نسبت به دیگر منابع نقل و بحث شده است.

مفصل‌ترین تحقیق مستقل (تک‌نگاری) درباره اسفندیار، کتاب *اسفندیارنامه* تألیف دکتر مهری باقری (تهران، طهوری، چاپ اول: ۱۳۹۵) است که در سیزده فصل و صد و هفتاد و نه صفحه موضوعات مختلف مربوط به این پهلوان را بررسی کرده است.

در کتاب *راز روین تنی اسفندیار* در کنار مقدمات و مؤخرات لازم، پانزده روایت و اشارت قدیمی از منابع قرن پنجم تا دوره قاجار و هشت نظریه و فرضیه معاصر از سال ۱۳۱۳ تا ۱۳۹۵ ه.ش درباره موضوع بحث‌انگیز روین تنی

۱. ر.ک: جعفری قنواتی، محمد؛ «اسفندیار»، *دانشنامه فرهنگ مردم ایران*، تهران، مرکز دایرةالمعارف بزرگ اسلامی، ۱۳۹۱، ج ۱، صص ۵۰۰-۵۰۶.

۲. ر.ک: فاتحی، اقدس؛ *نشته من این نامه پهلوی... (بررسی و تحلیل شخصیت‌های برجسته اساطیری ایران باستان بر پایه منتهای ادبیات اوستایی، فارسی میانه و شاهنامه)*، تهران، فارسیران، ۱۳۹۵، صص ۳۵۷-

اسفندیار آورده و بررسی و نهایتاً این پیشنهاد طرح شده است که احتمالاً عامل و علتِ زخم‌ناپذیریِ این پهلوان در شاهنامه، داشتن و پوشیدنِ زره ویژه‌ای است که رزم‌افزارها بر آن بی‌تأثیر است.

چون ویژگیِ رویین‌تنیِ اسفندیار در هزار سالِ گذشته برای خوانندگان و شنوندگان داستانهای شاهنامه / شاهنامه‌ای و راویان و داستان‌گزاران عجیب و پرسش‌ساز بوده روایت‌های مختلفی دربارهٔ نحوهٔ رویین‌تن شدنِ پورِ پهلوان گشتاسپ و چستیِ این صفتِ او ساخته و نقل شده است. بنابر این به احتمال بسیار با تتبعاتِ بیشتر در آثار تاریخی و ادبی کمتر شناخته شده (به اصطلاح: منابع دستِ دوم، سوم و چهارم) و متون داستانی و نقلی که بعد از این تصحیح و چاپ خواهد شد باز روایتها یا اشارات تازهٔ دیگری غیر از پانزده روایت و اشارهٔ منقول در این کتاب به دست خواهد آمد. نگارنده در همین جا از همهٔ محققان و مصححان درخواست می‌کند که اگر روایت یا اشارهٔ جدیدی دربارهٔ چگونگیِ رویین‌تنیِ اسفندیار یافتند حتماً به صورت مقاله یا یادداشت کوتاهی منتشر کنند تا مباحثِ این کتاب کامل‌تر شود.

شاهنامه‌شناس ارجمند، دکتر محمود امیدسالار، پس از دکتر محمدعلی اسلامی ندوشن دومین محققى هستند که مقالهٔ مستقلی دربارهٔ موضوعِ رویین‌تنیِ اسفندیار نوشته و در سال ۱۳۶۱ در مجلهٔ *ایران‌نامه* در آمریکا چاپ کرده‌اند. نام مقالهٔ دکتر امیدسالار «رازِ رویین‌تنیِ اسفندیار» است که به سببِ زیبایی، رسایی و گویایی برای عنوانِ کتاب حاضر نیز انتخاب شده است. دکتر اسلامی ندوشن هم در سال ۱۳۵۱ مقالهٔ خود را «اسفندیار و رازِ رویین‌تنی» نامیده بودند. اشاره به این نکته برای احترام به حقِّ تقدّم و رعایتِ امانتِ نامی است که نگارنده از مقالهٔ دکتر امیدسالار وام گرفته است.

در تحقیق برای نگارش این کتاب دوستِ شاهنامه‌شناسِ مهربانم، جناب آقای دکتر ابوالفضل خطیبی، افزون بر گفتگو و مشاوره دربارهٔ بعضی

موضوعات، به تقاضای بنده شواهدِ مربوط به «اسفندیار» و «رویین‌تن» را از پیکرهٔ زبانیِ گروه فرهنگ‌نویسیِ فرهنگستان زبان و ادب فارسی استخراج و ارسال کردند. دوستِ نیک‌نهادِ فرزانه‌ام، جناب آقای دکتر رضا غفوری، مصحح و محققِ روش‌دانِ منظومه‌های پهلوانیِ پیروِ شاهنامه پس از اطلاع از کار بنده، بزرگوارانه یادداشتهای خود را دربارهٔ شخصیتها و جانوران زخم‌ناپذیر در بعضی متون فرستادند که در بخشِ پایانیِ فصلِ «رویین‌تنی اسفندیار» از برخی نمونه‌هایی که ایشان یادداشت کرده بودند استفاده شده است. در سالهای گذشته دو دوستِ دریادل، جناب آقای دکتر آرش اکبری مفاخر، پژوهندهٔ سخت‌کوشِ شاهنامه و روایاتِ پهلوانی ایران، و جناب آقای دکتر میلاد جعفرپور، مصحح و محققِ جوان و توانایِ متونِ مثنویِ داستانی، تصویرِ نسخهٔ دو طومارِ نقالیِ مهم و چند کتابِ چاپِ سنگی را به بنده داده بودند که در این کتاب از این منابع بهره گرفته شده است. از همهٔ این دوستانِ دانشمند و شریف بسیار بسیار سپاسگزارم. کتابِ کم‌برگ و بارِ رازِ رویین‌تنیِ اسفندیار به سه پژوهندهٔ جوان و دانایِ عرصهٔ مطالعاتِ شاهنامه و ادب حماسی ایران تقدیم شده است. آقایان دکتر آرش اکبری مفاخر (متولد: ۱۳۵۴ ه.ش.)، دکتر رضا غفوری (متولد: ۱۳۶۰) و دکتر میلاد جعفرپور (متولد: ۱۳۶۷) که فارغ از هیاهوهای رایج برای استعمارِ دانشجویانِ دکتری و مقاله‌سازی و امتیازجمع‌کنی و ارتقا و... آرام و علمی به کار تحقیق و تصحیح می‌پردازند و مقالات و متون روشمندان‌های را منتشر می‌کنند که در این قحط‌سالِ کارِ پژوهشیِ خوب، سخت مایهٔ دل‌گرمی است و خاطرِ ما علاقه‌مندان را جمع و آسوده می‌کند که حداقل در این حوزهٔ تخصصی (مطالعاتِ شاهنامه و ادب پهلوانی ایران) چند محققِ جوان، روش‌شناس و آماده داریم.

این کتاب همچنین به یاد سه استاد فقید نیز آراسته شده است که در یکی دو سالِ اخیر در سرایِ دیگر آرام یافته‌اند: شادروان دکتر احسان یارشاطر (۱۲۹۹-

۱۳۹۷ ه.ش)، که صرفِ نظر از خدماتِ شایانِ ایشان به فرهنگ و ادب ایران به‌ویژه با سرورِ استاریِ دانشنامهٔ ارزشمندِ *ایرانیکا*، نگارندهٔ آن زنده‌یاد را به جهتِ نگارشِ فصلِ درخشان و محققانهٔ «تاریخِ ملی ایران» در مجموعهٔ تاریخِ ایرانِ دانشگاهِ کمبریج (ج ۳، بخش اول) و مدخلِ عالمانهٔ «اسفندیار» در مجلدِ هشتمِ دانشنامهٔ *ایرانیکا*، در ردهٔ محققانِ طرازِ اولِ شاهنامه و ادبِ حماسی - اساطیریِ ایران هم می‌داند. مرحوم دکتر سید محمد دبیرسیاقی (۱۲۹۸ - ۱۳۹۷ ه.ش) که اهمیتِ کوششها و تحقیقاتِ ایشان در شاهنامه‌شناسی خصوصاً با تدوینِ کشف‌الایاتِ شاهنامه (در زمان انتشارش) و کتابِ *زندگی‌نامهٔ فردوسی* و سرگذشتِ شاهنامه، انکارناشدنی است. روان‌شاد استاد مهدی قریب (۱۳۲۲ - ۱۳۹۸ ه.ش) هم از محققان و مصححانِ بنیادِ شاهنامهٔ سابق بودند و علاوه بر اهتمام در کار ویرایشِ شاهنامه، مقالاتِ تحقیقیِ خوبی دربارهٔ حماسهٔ ملی ایران نوشته‌اند که شماری از آنها در کتابِ *بازخوانی شاهنامه* (تهران، توس، ۱۳۶۹) گردآوری شده است. برای دوستانِ محققِ جوان آرزوی تندرستی و بهروزی و موفقیتِ دارم و به روحِ استادانِ درگذشته فاتحه و درود نثار می‌کنم.

در پایان از دوست ارجمندم، جناب آقای دکتر محمد افشین‌وفایی، مدیرعاملِ محقق و مدبّر بنیادِ موقوفاتِ مرحوم دکتر محمود افشار و دانشمندانِ شورایِ گزینشِ کتابِ این بنیاد بسیار سپاسگزارم که چونان گذشته، نوشته‌های ناچیز بنده را مناسبِ نشر دانستند و در انتشاراتِ خوش‌آوازهٔ بنیادِ موقوفاتِ افشار به بهترین وجهی چاپ و منتشر کردند. زحمتِ تهیهٔ نمایهٔ اعلامِ کتاب را هم جناب آقای مهندس امیر شفقت پذیرفتند و مرا منتِ دارِ مهر و لطف خویش کردند.

از همهٔ خوانندگانِ ارجمندِ کتاب و استادان، پژوهشگران، دانشجویان و علاقه‌مندانِ گرامی درخواست می‌کنم نگارنده را از نظریاتِ انتقادی و اصلاحی

خود بی بهره نگذارند که هیچ پژوهشی در هر سطح از استقصا و روشمندی، کامل و بی خطا نیست.

سجاد آیدنلو

اورمیّه - خرداد ۱۳۹۹

aydenloo@gmail.com